

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

باز تایپ و ارسال از: لاله

## تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی  
چاپ «نعیم فر اشری» تیرانا ۱۹۶۹

### بخش چهل و دوم

۲۶ جون ۲۰۱۴

#### گواهی درخشان بر صحت مشی سیاسی حزب کمونیست البانی

الهام بخش و سازمانده مقاومت و نبرد قهرمانانه ارتش رهائیبخش ملی و قاطبه خلق البانی در دشوارترین دوره یعنی در زمستان ۱۹۴۳ – ۱۹۴۴، حزب کمونیست البانی بود.

در طی این دوره باز هم روشن تر معلوم شد که پیوند میان حزب و توده ها تا چه حد استوار و خلل ناپذیر است و مشی سیاسی حزب تا چه حد صحیح است. جنگجویان ارتش رهائیبخش ملی و توده های مردم در هیچ لحظه ای ایمان به حزب را از دست ندادند. پسران و دختران خلق البانی که در میدان نبرد، بر بالای دار و یا در زیر شکنجه جان می سپردند نام حزب کمونیست را بر لب داشتند. برای آن که حزب را از ضربات دشمن محفوظ بدارند هزاران نفر حاضر به هر گونه فداکاری بودند.

در زمستان ۱۹۴۳ – ۱۹۴۴ پیوند حزب با توده ها باز هم محکمتر شده خلق البانی بهتر دید و عمیق تر فهمید که حزب کمونیست یگانه نیروی رهبری است که می تواند استیلای خارجی را بر اندازد، آزادی و استقلال ملی را به دست آورد و از مصالح خلق البانی دفاع کند.

در دشوارترین و حساس ترین لحظات، در روستا و در شهر، در مناطق آزاد شده و در مناطق اشغالی، جنگجویان ارتش رهائیبخش ملی و توده های مردم در همه جا احساس می کردند که حزب دوش به دوش آنهاست، می دیدند که حزب هرگز آنها را رها نکرده است و هر روز از سخنان حیات بخش او نیرو و نشاط می گرفتند.

حتی در دوران سخت ترین نبردها، حتی در طی دشوارترین راهپیمائی ها کمیسرها، شعبه های سیاسی و سازمان های حزب به کار سیاسی پر دامنه و پر شوری مشغول بودند و به این طریق روحیه پارتیزان ها و پیکارجویی آنها را در سطح بالا نگه می داشتند، مانع می شدند که ایمان به پیروزی در آنها متزلزل گردد. جلسات سازمانی در هر شرایطی و هر اندازه سخت، تشکیل می شد. در این جلسات تصامیم جمعی برای تأمین موفقیت عملیات نظامی، تأمین نقش پیشاهنگ کمونیست ها خواه در نبرد و خواه در رنج و محرومیت اتخاذ می گردید. در طی زمستان ۱۹۴۳ - ۱۹۴۴

تعداد اعضای حزب در ارتش با کمونیسیت هائی که در نبرد های ضد دشمن در خطرناکترین شرایط آزموده شده بودند، افزایش یافت.

در شهر ها و مناطق اشغال شده، اگر چه فقط عدۀ قلیلی از کمونیسیت ها در آنجا ماندند، کار حزب وقفه نپذیرفت. کمیته های منطقه ئی حزب کار حوزه ها و جلسات کادر های فعال جوانان کمونیسیت را تجدید سازمان دادند تا مناسب شرایط ترور و تعقیبات وحشیانه ای باشد که دشمن به منظور درهم شکستن حزب کمونیسیت ایجاد کرده بود. سازمان های حزب در شهر های اشغال شده هیچ گاه نگذاشتند طبع و نشر بولتن ها، اعلامیه ها، تراکت ها و خطابه ها دچار تعطیل شود. دشمن از این که نمی توانست وسائل چاپ این اوراق را کشف کند و سازمان های حزب را در هم بکوبد بسیار در خشم بود. شرایط شدیدترین حکومت نظامی نتوانست شورا های رهائی ملی، سازمان های ضد فاشیست جوانان و زنان، و واحد های پارتیزانی شهری را از فعالیت باز دارد. عملیات متهورانه پارتیزان ها که بر طبق نقشه کمیته های منطقه ئی صورت می گرفت لحظه ای به دشمن آرامش نمی داد و روحیه مردم شهر را در سطح بالا نگه می داشت. کمیته های منطقه ئی حزب فعالیت هر کمونیسیت را پیوسته با دقت کامل تحت نظر داشتند، اعضای حزب را پیوسته در جریان حوادث قرار می دادند، نمی گذاشتند که گرفتار رکود شوند، رهنمود به آنها می دادند و وظائف مشخص برای آنها معین می کردند. کمونیسیت ها به ویژه به عناصر نا ثابت توجه بسیار روا می داشتند، به آنها دل و جرأت می دادند و نمی گذاشتند که به فشار دشمن تسلیم شوند. کمونیسیت ها با زندانیان سیاسی و پارتیزان های منفرد، بیمار و یا مجروحی که به شهر ها بر می گشتند تماس بر قرار می کردند. حوزه های حزب در زندان ها و اردوگاه ها نیز فعالیت داشتند. کمیته های منطقه ئی جمع آوری کمک های مادی، پوشاک و دوا را برای ارتش رهائی بخش ملی سازمان می دادند، از وضع دشمن و نقشه های او اطلاعات کسب می کردند و به ستاد های پارتیزانی می فرستادند.

تعرض دشمن در زمستان ۱۹۴۳ - ۱۹۴۴ شجاعت و از خود گذشتگی کمونیسیت های البانی، فداکاری آنها را نسبت به حزب، ۹ عضو کمیته های منطقه ئی، یک کمیسر تیپ، و ازیل شان تو که نامزد کمیته مرکزی هم بود، در طی مصاف های خونین به ضد هیتلری ها و مرتجعان، جان خود را مانند قهرمانان واقعی نثار کردند. سرمشق کمونیسیت ها و قهرمانی آنها به توده های مردم در مقاومت و مبارزه علیه اشغالگران و خیانت پیشگان الهام می بخشید.

این امر که نهضت به طور مداوم از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیسیت و شخص انورجوجه رهبری می شد در چنان ساعات دشوار و شرایط بغرنج حائز اهمیت بسیاری بود. کمیته مرکزی و انورجوجه با کمیته های منطقه ئی و ارگان های سیاسی ارتش رهائی بخش ملی تماس دائم داشتند. دبیر کل حزب هیچ گاه تماس های خویش را با اعضای کمیته مرکزی که برای رهبری در عرصه نبرد در سراسر کشور پراکنده بودند، از دست نداد. برقراری این ارتباطات مستلزم گذار از هزاران مانع و هزاران خطر بود ولی ارتباطات مذکور حتی در موقعی که رهبران عمده حزب در کوهستان چرمینکا و سنگ ژرگ در محاصره بودند، قطع نشد. رهبری کمیته مرکزی گزارش ها و اطلاعات دریافتی را با دقت کامل بررسی و نتایج لازم استخراج می کرد و در باره وضعیت به طور کلی و وضعیت و فعالیت حزب در هر منطقه و در هر واحد نظامی، ارزیابی کلی به دست می داد. رهبری کمیته مرکزی بر اساس این اسناد، دستور های سودمندی می داد، از خطاها و نقایص انتقاد می کرد و بهترین شیوه حل مسائل بغرنج را به رفقاء می آموخت دبیر کل حزب همه مسائل مهمی را که در برابر حزب قرار داشت به اطلاع اعضای کمیته مرکزی می رسانید، نظر آنها را خواستار می شد و می طلبید که پیشنهاد بدهند.

کمیته مرکزی رهنمود می داد: «هرجا که خلق هست در کنار او باشیم، هر قدر هم که ارتجاع قوی باشد». این رهنمود برای راهنمایی فعالیت عملی سازمان های حزبی که می بایست نگذارند روحیه توده ها در آن لحظات دشوار تنزل کند و

می بایست فشار دشمن را بر مردم خنثی کنند، اصل اساسی به شمار می آید. در همین هنگام بود که کمیته مرکزی از کمیته منطقه ئی ولورا به مناسبت این که یک چند ارتباطات خود را با شهر از دست داده بود، انتقاد کرد. کمیته مرکزی به ویژه مراقبت داشت که جوانان سست نیایند و از مبارزه دست بر ندارند زیرا که دشمن توجه خود را به خصوص بر روی جوانان متمرکز ساخته بود. کلیه تشبثات اشغالگران و خیانت پیشگان در این که جوانان را به جدا شدن از ارتش رهاییبخش ملی مجبور سازند در اثر اقدامات مستقیم رهبری حزب با شکست مواجه شد. نازی ها و مرتجعان، اظهارات ضد کمونیستی تهیه کردند و به امضاء جوانان منفردی که در شرایط دشوار پا به گریز نهاده بودند رساندند و آنگاه در این باره به تبلیغات پر جنجال دست زدند. ولی این تبلیغات رسوا گردید. کوشش دشمن در اینکه جوانان را به کلوب ها، محافل ورزشی و فرهنگی بکشاند به جایی نرسید، تلاش برای تأسیس سازمان به اصطلاح «جوانان مستقل» در نطفه خفه شد.

انور خوجه همین که خبر یافت که در کمیته منطقه ئی تیرانا اظهار نظر شده است که برخی از جوانان برای فرار از زندان و تبعید می توانند بگویند که «با سیاست سروکاری ندارند» از این روش به شدت انتقاد کرد و دستور داد که از دام گسترده دشمن احتراز کامل به عمل آید. همچنین پیشنهاد شده بود که «حزب جمهوریخواه دموکراتیک» شامل بر عناصری از جبهه رهاییبخش ملی تشکیل شود تا آن عده از اعضای «بالی کمیتار» را که با سران سازمان مذکور مخالف اند به جبهه رهاییبخش ملی جلب کند. کمیته مرکزی این پیشنهاد را نیز رد کرد و گفت که تشکیل چنین حزبی، بدعتی کاملاً مصنوعی و زیانمند به مبارزه رهایی بخش است.

کمیته مرکزی مراقبت بسیار داشت که رهبران حزب، در شرایطی چنین دشوار، گرفتار بدبینی نشوند و اعتماد به نیروی خود، به نیروی حزب و خلق را هیچ گاه از دست ندهند. انورخوجه با انتقاد از این بد بینی که در زمستان ۱۹۴۳ - ۱۹۹۴ در گوشه و کنار تظاهر کرده بود چنین رهنمود داد:

«وضع واقعاً دشواری است. خیلی دشوار است. ولی همانا در چنین اوضاعی است که ما باید بکوشیم تا سراسیمه نشویم...»<sup>۱</sup>

انورخوجه با یادآوری تلفاتی که بر تیپ دوم و سوم و همچنین بر برخی از گردان های محلی وارد آمده بود اظهار نظر و تأکید کرد که خطای فاحشی است اگر این تلفات موجب دلسردی شود، زیرا که نبرد بدون تلفات و خسارات نیست. مهم این است که مضطرب نشویم، اعتماد به نیروی خود و نیروی خلق را از دست ندهیم، بتوانیم نفرات را دوباره گرد آوریم، ماهرانه مانور کنیم، تلفات را جبران کنیم، آماده خطرناک ترین شرایط باشیم و بتوانیم اوضاع را به سود خویش بگردانیم. در اوضاع دشوار هیچ چیز هلاکت بارتر از سراسیمگی و سستی نیست.

کمیته مرکزی، در درجه اول، مراقبت داشت که از حزب پاسداری کند و پاکی و استواری صفوف آن را محفوظ بدارد. به کادر های رهبری توصیه می کرد که نه فقط با دلیری بلکه همچنین با هشیاری کار کنند و خود را بیهوده به خطر نیندازند. آنها قبل از هر چیز باید به صورت رهبران بصیر و محتاط در آیند، باید بتوانند کار را در انطباق با شرایط سازمان دهند، پیوسته در برابر هر تاکتیک و مانوری که دشمن برای نابود ساختن کادر های رهبری و منهدم کردن سازمان های حزب به کار برد، هشیار باشند. کمیته مرکزی پیوسته حزب را ترغیب می کرد که از فتنه انگیزی که ممکن است دشمنان در صفوف وی رخنه دهند بپرهیزد، پیوسته مراقب کلیه کسانی باشد که روزی روحیه بارز گروهی نشان داده اند زیرا که این روحیه می تواند در شرایط دشوار دوباره جان بگیرد. در اثر هشیاری حزب و آبدیدگی سیاسی کمونیست ها از خطراتی از این نوع اجتناب شد.

<sup>۱</sup> - انورخوجه. نامه به ناکواسپیرو. مارچ ۱۹۹۴ - جلد دوم آثار به البانی. صفحات ۱۱۵ - ۱۱۶

حتی در شرایط سخت زمستانی ۱۹۴۳ - ۱۹۴۴، کمیته مرکزی توانست فرصت و وسیله پیدا کند و در پاناریت و در منطقه کورچا، کلاس تئوریک تشکیل دهد که کادر های رهبری حزب در ارتش رهائیبخش ملی و برخی از کادر های که در شهرها و روستاها کار می کردند، در آن شرکت جستند.

در اثر توجه و فعالیت پرتوان کمیته مرکزی و کلیه ارگان های رهبری حزب در شهرها، روستاها و در ارتش، کار حزب بیش از هر زمان ثمر بخش شد و به هم فشردگی و پختگی حزب به درجه بی سابقه ای رسید. کلیه تلاش های دشمنان در تخریب و تضعیف حزب کمونیست البانی در برابر نیرو و اعتبار وی فروریخت. کوشش های گشتاپوی هیتلری و «بالی کمبتار» در تأسیس «حزب کمونیست واقعی» و «حزب سوسیال دموکرات» که می بایست بر جای حزب کمونیست البانی بنشیند، بر باد رفت.

نبرد های سخت و آزمایش های دشوار زمستان ۱۹۴۳ - ۱۹۴۴ آبدیدگی انقلابی حزب کمونیست، ارتش رهائیبخش ملی، شوراهای رهائی ملی و قاطبه خلق البانی را تقویت کرد و آنها را برای نبرد های قطعی علیه اشغالگران نازی و خیانت کاران آماده ساخت.

ادامه دارد...